

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی مدیرمسئول ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورتوتوی آنترویوی کانادا
۰۴ اپریل ۲۰۱۶

من آب جاری عشق جهادم، ترا طوفان دشمن موج من ساخته

۳



کور و طنزمن درحقیقت یک تاریخ است
تاج سرصادق ویرخاینین یک سیخ است
من کاری ندارم مؤرخین چه ها می کنند
گر به دقت بخوانی جمله ها چهارمیخ است
شاعری وزن وبی ترازو

به ادامه گذشته:

به خاطر سیاست کردن و وطن پرستی و انسان دوستی و واقعیت بینی و واقعیت گوئی که از بی ترسی من سرچشمه گرفته زندانی و شکنجه شده ام و هیچ یک از این دولت ها انکار کرده نمی تواند مثلی که پولیس هالند از پولیس مخفی کانادا خواهش کرده بود که وجود فزیکي مرا در کانادا ثابت کند من زمانی که با پولیس مخفی کانادا روبه رو شدم آنها معلوماتی که از من داشتند مرا مورد احترام قرار دادند بعد از رد و بدل چند حرف من با آنها گفتم من یک مؤرخ بیکتاب زنده از زمان شاه تا امروز هستم هر مقام دولتی در هر گوشه جهان به من ضرورت داشته باشم با پول شخصی و مصرف شخصی خود بدون چون و چرا و دلایل و بدون خود داری و بهانه حاضر هستم با وجدان سالم جواب بگویم و مانند عظیم بابک ایرانی الاصل افغانی نمابه خاطر جنایت خود و رهبران حزب دموکراتیک خلق که گل خشک را در دیوار این وان می چسپاند و می خواهد با قلم انسان های با وجدان و با شرف را بدنام بسازند تا بینی خمیری به خود به رهبران بینی بریده و حزب

دموکراتیک خلق بسازد و با نام های مستعار و فیس بوک و بلاگ و سایت های جعلی انسانهای شریف توهین و تحقیر می کنند و تهمت می بندند اگر کمی وجدان می داشتند این کار را نمی کردند چون سرچشمه شان از بالا خت است و تنبان سیاسی شان کشیده شده، مانند لچ از آب ردالت نمی ترسند.

یکی از دوستان حزب دموکراتیک خلق که هزاران سند ردالت حزب دموکراتیک خلق را به دسترس من گذاشت من به او گفتم من یادداشت های جلال رزمنده رئیس خاد را که توسط خانواده او به من داده شده در نزد خود دارم و همه حزب دموکراتیک خلق به شمول عارف صخره خواهرزاده خلیل بایانی پسر مرزا تاج محمد خان بایانی از کوچه ترکان قریه بایان ولایت پروان ، خلیل بایانی ، حلیم جان اخگرنوش پسر رحیم خان بایانی شوهر همشیره جلال رزمنده ، آقای عزیز پیشرو پسر کاکای محمدادخان ، رئیس کمیته شهری ولایت پروان در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق ، فاروق پاسدار پسر خوئین خالق چهارکاری برادر نور احمد معلم منشی کمیته ولایت پروان در وقت تسلیمی پروان به مجاهدین ، آصف جان نبردمنشی کمیته ولایتی ولایت پروان می دانند که یادداشت های جلال رزمنده به دسترس من قرار گرفته است. از کسانی که نام بردم همه می دانند بعد مرگ جلال زهنش را کریم بهاء که پسر موتروان از گلدره است رئیس خاد بود گرفت تا بتواند این اسناد را به دست بیاورد ولی اولاد زن سابق جلال رزمنده که زن قبلی رزمنده دختر کاکای رزمنده بود از حزب دموکراتیک خلق به خاطر ترور پدرشان نفرت دارند این اسناد را با امانت داری نگهداری کردند تا در دست کریم بهاء نیفتد و به من سپردند و مشت نمونه خروار واز کسانی که نام بردم پنج کیلومتر خانه های پدری ما از یکدیگر فاصله ندارد در خوشی و غم یکدیگر پدران ما یکجا بودند حتی روی گیری در بین زن و مرد ما وجود نداشت.

مسوده مقدماتی تونل سالنگ بین روس حزب، دموکراتیک خلق و احمدشاه مسعود که در خانه صدیق برادر داکتر نجیب الله و خواهر احمدشاه مسعود عروس حکیم بای مزاری و ثریابها و یک خانم روسی عضو کاجی بی کارمند سفارت روس در کابل با مشوره روسها ترتیب داده شد و توسط مقامت به امضاء رسیده در یادداشت های جلال رزمنده دیده می شود و صدیق برادر داکتر نجیب الله ردالت های زن خود را نمی تواند پنهان کند و همه می دانند که ثریابها به اثر اقرار خودش دمرتبه به خاطر جاسوسی در فرانسه و المان فرستاده شده و دوباره مثل گل سر سبد به افغانستان برگشت و در آخر وقت قبل از این که او را احمدشاه مسعود به پاکستان روان کند و به سفارت های غرب و امریکا معرفی کند جاسوسی دوطرفه احمدشاه مسعود و دولت کابل تحت نظر مسعود و نجیب الله بود که ارتباط دوطرفه ثریابها سرانجام منجر به قرارداد جبل السراج توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق، وکیل و احمدشاه مسعود گردید و حالاً جوانان بی خبر از خود نویسندگان و شعرا یوازه سرا را با پول و واسطه مجبوری کنند که کتاب "رهادر یاد" را به نفع او نقد بکطرفه کنند تا دروغ های شاخدار آن به کرسی نشیند فکر رفته تا قسمت پانزده و پاشانزده کتاب رهادر یاد من نقد کردم که مورد علاقه پژوهشگران قرار گرفت بعد مریض شدم اگر حالتم بهتر شود دوباره باقی ماند، آن کتاب را نقدی کنم چون ارزش دارد که نقد شود تا نسل امروز و فردا در یک تاریخی قرار نگیرند.

یکی از موافقه های جبل السراج بین وکیل و شورای نظار این بود، پیش از داخل شدن مجاهدین داخل کابل طرفین اسناد حزبی و جهادی را محو کنند که این جنایت را طرفین کردند. یک صفحه از اسناد حزبی و جهادی را نماندند و تمام اسناد جنائی خود و رفیقان حزبی و هیأت رهبری خود را محو کردند که ارتباطات شان افشاء نشود و پولهایی که قومندان های جهادی از دولت حزب دموکراتیک خلق می گرفتند افشاء نگردند و هم اعضای حزب دموکراتیک خلق که جاسوس دوطرفه بودند از آنها جای پای باقی نماند و امروز جزوی ترین سندی که سبب محکمه اعضای رهبری و اعضای حزب دموکراتیک خلق و جهادی و قومندان های جهادی و اسنادی که سبب محکمه جنائی جنایتکاران دیگر شود وجود ندارد توسط وطن فروشان از بین برده شده تمام اسناد جنائی و تاریخی توسط احمدشاه مسعود با مشوره رهبران جهادی و قومندانها و هم

اسنادی که نزد حزب دموکراتیک خلق موجود بود توسط روس و رهبران حزب دموکراتیک خلق و احمدشاه مسعود و داردسته احمدشاه مسعود از بین برده شد که بزرگ ترین جفا در حق ملیت های افغانستان شد و این جریان مفصل داکتر فضل احمد به نام داکتر عبدالرحمن بعد از این که با شاه رفت در هند در یک هتل بودیم و از دوران جوانی اش از زمانی که در لیسه حبیبیه با غنی اتم در لیسه حبیبیه درس می خواند و با جریان شعله جاوید همکاری داشت او را از نزدیک می شناختم و می مغز متفکر شورای نظار و دوست نزدیک من بود مرد سیاست مدار و سخن سنج خوب بود در دلاوری هم بی همتای زمان خود بود روحش گرمی باد. به خاطری که تمام راز و اسرار شورای نظار و جمعیت قبل از احمدشاه مسعود و بعد مرگ احمد شاه مسعود را افشاءگری نکند او را به موافقه خادگری در میدان هوایی کابل کشتند این هم از جمله قتل های زنجیره ئی زمان حکومت کرزی می باشد

چنانچه یک نوشته از دوست سابقه خود که عبدالواسع جان غفاری است رئیس شورای رهبری انجمن حقوقدانان در المان و وظیفه افتخاری دار و در زمان قدرت حزب دموکراتیک خلق در خاتوالی انقلابی حزب دموکراتیک خلق به گفته حشمت کیانی رئیس خاتوالی انقلابی خسربره صفی الله پسر روان شاد استاد خلیلی و پسر خاله سکه من بود و در آخر عمر در کانادا درخواست پناهندگی کرده بود او را یک شارلتان به نام انجینر طاهری که در اتحایه افغانها مقیم تورنتو کار می کرد حشمت رابه اساس شناخت قبلی رهنمائی کرده بود که به کانادا پناهنده شود او از کیوبا به میدان تورنتو آمده بود و به خانه طاهری چند روزی مخفی بود

دو صد هزار دلار امریکائی داشت او را نزد انجینر طاهری مانده بود طاهری به خاطری که پولهای او را بخورد در تیبانی با نصیر خالده که زمانی از جاسوسان خاد در رادیو کابل کاتب بود پدرش یعقوب نماینده صندوق ببرک کارمل در وقت انتخابات شورا در زمان شاه بود در زمان قدرت ببرک کارمل در جهیه پروطن یعقوب حرف اول می زد و بعد از رفتن ببرک از ترس نجیب به پاکستان رفت و بعد به کانادا پناهنده شد حالا در تورنتوی کانادا به حال فلاکت و شرمندگی زندگی شرم آورد در این نصیر خالده یک رادیو در تورنتو داشت یک ساعت نشرات می کرد. طاهری یک مقدار پول حشمت کیانی رابه نصیر خالده داد هر دو دست یکی کردند نام حشمت کیانی را در رادیو کشیدند و او را مجبور ساختند که از گذشته خود ندامت کند و حشمت را پولیس کانادا به خاطر سابقه اش مجبور به خارج شدن از کانادا کرد و پولهای وی را این دو نفر خوردند. او از کانادا قبل از این که توسط پولیس کشیده شود به هالند رفت و به مرض سرطان فوت کرد قبل از این که برود از ترس مردم تنها با من به خاطر خویشی که خسربره پسر خاله من بود روابط داشت و شبی که به هالند می رفت از خانه من رفت فعلا خواهر اش عروس استاد خلیلی و خانم پسران صفی الله در امریکا زندگی می کنند

وقتی که نوشته واسع جان غفاری را در سایت آریانی خواندم آن نوشته قسمی نوشته شده بود که در زمان قدرت حزب دموکراتیک خلق آب از آب تکان نخورده هرچنانیتی که شده توسط مجاهد و طالب و حکومت داوود صورت گرفته در حالی که در حکومت داوود، مجاهد، طالب و حکومت فعلی امریکائی همین خلقی و پرچمی است که حرف اول می زند دیروزی زدند و امروز هم می زنند و قتی که در غرب به خاطر جنایت شان افشاء می شوند به کابل زیر چتر دیگر اعضای حزب دموکراتیک خلق می روند به زندگی دور از چشم پولیس بین المللی زندگی می کنند

از یک جنایتی که حشمت کیانی در روزهای که در خانه من بود پرده برداشت او گفت من زمانی که در خاتوالی انقلابی رئیس بودم تمام اعضای خاتوالی انقلابی سرمیزان چاشت نشسته بودیم از زبان بشیر پسر دگروال امیر محمدخان چهاربکاری که عضو خاتوالی انقلابی توسط همین واسع غفاری و دیگر همصنف دوره فاکولته بشیر در خاتوالی انقلابی مقرر شده بود در پیش روی همه اعضای شورای انقلابی به شمول واسع جان غفاری و فاطمه اخترهراتی، هر دو از اعضای خاتوالی انقلابی، بشیر گفت که خانه سید امان الله را من به دستگاه جاسوسی دولت حزب دموکراتیک

خلق نشان دادم و از خانه اش اورامن کشیدم تسلیم وزارت داخله آن زمان کردم اودر زیر زمینی های وزارت داخله زندانی بود و از همانجا اورا بردیم تیر باران کردیم

زنده یاد سید امان الله پسر کاکای من بود از همصنفان زنده یاد سید امان الله پسر کاکایم را با وی دیده بودم با سید امان الله در تابستانها به پروان می آمدند و مهمان سید امان الله می شدند بشیر با افتخار جریان بردن و کشتن سید امان الله پسر کاکای مرا که همصنفی شان در فاکولته بود هر دو از پروان بود و پدر بشیر با سید اشرف کاکای من در قول اردوی قندهار صاحب منصب بودند و در دوران حربی هم پدر بشیر و سید اشرف کاکای من همصنف و رفیق های نزدیک بودند

بشیر مشهور به سگ غنی زنبور شب با دار و دسته دستگاہ جاسوسی حزب دموکراتیک خلق داخل خانه سید امان الله پسر کاکای من که همصنفی بشیر سگ غنی زنبور و عبدالواسع جان غفاری و فاطمه اختر بود ۲۰ روز از عروسی وی سپری شده بود اورا بردند و بدون جرم و گناه کشتند اورا به خاطر خصومت ها و جنجال های دوره تحصیل تیر باران و مرده وی را در جانی دفن کردند

فاطمه اختر هم حرفهای کیانی را روزی به من گفت و تأیید کرد و عبدالواسع غفاری و یک نفر به نام علی که در څارنوالی انقلابی با دیگر همصنف های خود کاری کردند از این جریان به شمول فاطمه اختر که در کانادا زندگی می کند خبر دارند و حتی می دانند که در کجاسید امان الله بعد از تیر باران توسط این وطن فروشان دفن شده مگر قتل سید امان الله توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق یک جنایت بزرگ نبود و نیست و شما چطور یک جانی راکه بشیر مشهور به سگ غنی زنبور بود با خود در څارنوالی انقلابی بردید و مقرر کردید و هزارن جنایت دیگر توسط بشیر در څارنوالی انقلابی به راه انداختید فعلاً با شما ارتباط و روابط دارد و در امان زندگی می کند و از طرف جنایتکاران حزب دموکراتیک خلق حمایت می شوید

اینکه واسع جان تمام جنایات را به گردن مجاهد ، طالب، دلت داوود و دولت موجوده می اندازد به حیث مشت نمونه خروار در این نوشته این مثال آوردم تا سیاه روی شود آن که در او غش باشد. احمد شاه مسعود متحد شما که در جوی روان من و پهلون احمد جان توسط باد و طوفان دستگاہ جاسوسی شما و غرب همسایه های افغانستان امریکا روس پروبال کشید به یک موج کاذب تبدیل شد شما خبر هستید و تا امروز شما و شورای نظاردریک بستر جنایت و رذالت به اساس روابط سابق تان می خوابید

مگر صمد ازهر، جنرال آصف دلاور، جنرال علمی، جنرال عظیمی، جنرال وکیل کریم، جنرال بیگی، جنرال دوستم و غیره از دار و دسته شما نبودند؟ دستگیر پنجشیری، وکیل، کیانی، ثریابها، جبار قهرمان و غیره از شما نبودند که دور دسترخوان شواری نظار برانی با دنجان سیاست و همکاری چیدند وطن را یکبار دیگر در خون کشیدند (دم سگ سگ است کله سگ سگ است سر تاپای سگ سگ است) سگ به دریای افگانه بشوی چون که ترشد پلید تر گردد

به کدام وجدان، حزب، دولت، و خود تان را با قلم شارلتانی برانت می دهی دواسع جان امید است که آزرده نشوید اگر این نوشته را به دقت بخوانید و سردرگریان خود پائین کنیده گذشته های خود و حزب خود برگردید دیگر چرندیات در انترنت و سایت هانوشته نمی کنید و اگر شما از گذشته های خودندامت بکشید مانند فاطمه اختر څارنوال انقلابی شما جنایت خاد، څارنوالی انقلابی، څارنوالی انقلابی نظامی، محکمه انقلابی و محکمه نظامی رابا جنایات کیتمه ولایتی، سازمان جوانان و کیتمه شهر با در نظر داشت وجدان خود بنویسید شما چرا نمی دانید که این چرندیات شما مانند دفاع بابک ایرانی است. به گفته پرچی ها و خلقی ها خصوصاً طرفداران نجیب الله که اورابه صفت یک آدم لچی می شناسند که از آب بی ابروگی نمی شرمد و به نام مستعار صد فیس بوک، سایت، تویتر، بلاک می سازد و به نام مستعار می نویسد و گناه هم ندارد او پرستاری اولاد معیوب خود هم به دوش دارد با چرند نویسی ها خود را آرامش کاذب

می دهد و هم پول مفت و کمکی از سوسیال غرب می گیرد مانند لت های سلطان محمود از زمین و آسمان گز می کند در حالی که نوشته های اوسر هرکس که نوشته می کند بد نمی خورد او را پرستاری اطفال سفلیس زده اش خسته کرده با چرند سراین و آن و اعضای دیگر حزب دموکراتیک خلق که با ببرک مخالف بودند می نویسند و با نوشته های بی پایه لذت می برد می خواهد دهن این و آن را که خلاف ببرک و طرفداران ببرک نوشته می کند بگیرد و از آدم بی پرستیب اگر کسی آزده می شود و بر او سخت می گیرد احمق است تنها من با شوخی بعضی وقتها جلو او را می گیرم وقتی که به یادم می آید در سوسیال زندگی می کند، پول می گیرد و پرستاری مریض های خانواده به دوش وی است از شوخی های خود پشیمان می شوم خدا عمر همین تیپ انسانها را دراز داشته باشد که به یک تعداد اشخاص در انترنت و غربت غنیمت است

ادامه دارد